



شب به خیر و موفق باشید - جورج کلونی - ۲۰۰۵

ادوارد مورو (دیوید استراترن): اگر حق با آنها باشد (که مردم بیش از حد قانع، بی تفاوت و منزوی هستند)؛ پس این وسیله یعنی تلویزیون به غیر از سرسرگرم کردن به هیچ درد دیگری نمی خورد.
پس این وسیله به پت‌پت افتاده و خیلی زود متوجه خواهیم شد که همه تلاش‌های مان بر باد رفته. این ابزار می تواند آموزش بدهد، می تواند روشنگری کند، می تواند الهام‌بخش باشد؛ اما این کارها را تا جایی می‌تواند انجام بدهد که آدم‌ها (سرمایه‌دارها و اسپانسرها) برایش تعیین می‌کنند. در غیراین صورت این وسیله تنها یک جعبه سیم و نوره… شب به خیر و موفق باشید.

● **دیالوگ روز**

● **آکادمی**

## مالیات‌پزیشان

● **بایگ زمانی**



بایگ زمانی

نوروزروستایست

این روزها مثل هر سال صحبت مالیات پزیشان داغ است. قطع‌نظر از زیاد و کم مالیات یک نکته همیشه در بحث مالیات مغفول است و برای پزیشان هم اگرچه بسیار مهم است؛ اما خودآگاه درباره آن صحبتی نمی‌کنند. این نکته مهم چیزی نیست جز نحوه خرج‌کردن و به مصرف رساندن مالیات دریافتی. پزیشان قطع‌نظر از میزان درآمد و کم و زیاد آن جزء افشار روزمزد محسوب می‌شوند. این سرمایه پزیشان نیست که درآمد تولید می‌کند؛ بلکه تمام درآمد آنها دستمزد است. سهام بیمارستان خصوصی درآمد ندارد و هیچ‌کس هیچ زمانی هزینه‌های جاری پزیشان و سرمایه آنها در کار سلامت را مستقل از دستمزدشان محاسبه نکرده است. درآمد آنها برخلاف بسیاری مشاغل دیگر وابسته به حضور شخص ایشان است. بد یا خوب مردم به مؤسسات پزشکی مراجعه نمی‌کنند؛ بلکه به شخص پزشک مراجعه می‌کنند. وقتی که به هر دلیل کار نکنند، درآمد نخواهند داشت. در چنین شرایطی است که پزیشان می‌خواهند بدانند و حق دارند بدانند که بخش مهمی از این جان کالاشده که به اینچار از آن می‌شود، به چه مصرفی می‌رسد و از نسوی چه کسانی استفاده خواهد شد؟ بسیاری از پزیشان روزمزد درآمد سرشاری دارند؛ اما اکثریت مطلق ایشان نسخه‌نویسان و طبیعی هستند که با تعرفه‌ای چنددهم متوسط بین‌المللی، اگر امکان‌شان داشته باشد (که اکثرآ ندارند) با ساعات طولانی و عذاب‌آور امورات می‌گذرانند. به عبارت دیگر خود را نهنتها در معرض خستگی و زوال کیفیت حیات بلکه مهم‌تر از آن در معرض خطا و عذاب وجدان قرار می‌دهند. در بخش دانشگاهی آموزش پزشکی و تحقیقات از طرف پزیشان بدون دریافت مزد صورت می‌گیرد و تنها دریافتی ایشان بابت کار درمان است که برای نسخه‌نویسان و حتی جراحان به‌تازگی به شکل مبالغی باورنکردنی در فضایی سوررئالیستی درآمد است. مثلا وزیرت متخصص ۲۰ هزار تومان که از قیمت یک بسته آدامس هم کمتر است؛ یااین‌همه شمشیر داروچه برای مالیات (که در اینجا بلکنام نام دارد) از پیش آمده جادکردن است. کار در چنین محیطی خود مالیات است. اعطای این جان کالاشده خود مالیاتی است در راه سلامت. مالیات جان در کار سلامت به نحای مختلف بارها بیشتر است از آن مالیاتی که اداره دارایی درخواست می‌کند با این تفاوت که اولی را طبیب به کاری معلوم و واقعا مفید می‌اندازد؛ اما نحوه خرج دومی را نمی‌توان معلوم و واقعا مفید به شمار آورد. پزیشان به‌عنوان انسان‌هایی دانش‌بنیان با پوست و گوشت خود شاهدند که بدبهی‌ترین قوانین اقتصاد در سیستم سلامت رعایت نمی‌شود. شاهدند که جامعه پزشکی، گروه‌های آموزشی و انجمن‌های علمی کوچک‌ترین نقشی در توزیع منابع اقتصادی در سیستم سلامت کشور ندارند، شاهدند که حداقل منابع به سیستم سلامت حتی به بخش‌های دولتی که افشار محروم مراجعه می‌کنند، اختصاص نمی‌یابد. می‌توانند نتیجه بگیرند و حتی شاهدند که در سایر بخش‌های آموزش و بخش‌هایی که مسئول برنامه‌ریزی اقتصادی هستند، چه ازهم‌گسیختگی و ندانم‌کاری‌های عظیمی وجود دارد و چگونه اقتصاد که شیرازه توزیع منابع میان محرومان است، دچار چه نابسامانی و بلاکلیفی‌هایی است؟ چند سکه‌ای که مرد روستایی با کار گل در طول سال فراهم آورده، تحویل ساده‌لوح‌ترین فرد دهکده داده می‌شود تا به شهر رفته و هرچه می‌خواهد بخرد یا نخرد و هیچ توضیحی هم نمی‌شود تا به کسی ندهد.

موضوع تنها این نیست که منابع مالی‌ای که در اختیار قرار می‌گیرد، به چه مصرفی خواهد رسید؛ بلکه مهم‌تر از آن مسئله آن است که چگونه و از نسوی چه کسانی؟ اگر در سیستم‌های اقتصادی هم مثل سیستم سلامت آنان که اطلاعات و تجربه دارند، تصمیم‌گیر نیستند که نیستند، چگونه انتظار دارند دستمزدی که درذه‌ود، وب‌سا کار روزمه و گاه به بهای پیشیز جمع شده، به دست کارگزاران متعدد شود که شاهدیم چگونه منابع مالی را حیفاومیل می‌کنند و چگونه بی‌محبا گاه رانت در اختیار می‌گذارند و نه‌تنها این بلکه بزرگ‌ترین ذخایر مالی کشور یعنی نفت را هم به غیراقتصادی‌ترین روش‌ها آن هم به دست کسانی که آشکارا منکر دانش یگانه اقتصاد هستند، استفاده می‌کنند.

بنابراین به جای تحریک احساسات عمومی علیه پزیشان اتحاد تاریخی با تندترین منتقدان علیه پزیشان و تصویب قوانین غلاظ و شداد

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲
● تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷
● نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
● تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۴۴۰
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴
● چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۱
● ۳۰ ذی‌القعدة ۱۴۴۴
● ۱۹ ژوئن ۲۰۲۲
● سال بیستم
● شماره ۴۵۸۰
● ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶
● اذان مغرب ۱۹:۴۴
اذان صبح فردا ۳:۰۲
● طلوع آفتاب ۴:۴۸

# تبدیل فرهنگ به مجسمه

## گزارشی از دیدار با عثمان رحمان زاده و دیگر زیبایی‌های مهاباد و لچ

● **کبسو ففغوری**: از مهاباد که راه افتادیم، نرسیده به بوکان در روستای «ناچیت» که حالا به بزرگی شهر است، تابلوی بزرگی در سمت راست به چشم می‌خورد؛ تابلوی باغ موزه پدر

**ژیتوی ایران!** ما یک روز عصر با میزبانان مهربانان «هبرو» و «چورو» که کتابخانه ناچیت را اداره می‌کنند و با جمعی از بچه‌های روستای ناچیت به دیدار از این موزه رفتیم.

پیش‌ازاین موزه‌های عروسک را در تهران، لوسان، کاشان و اوز دیده بودم. براساس تجربه‌های قبلی برای خودم فضایی شبیه این موزه‌ها ترسیم کرده بودم؛ به‌ویژه آنکه اسم پدر ژیتو هم روی موزه بود و انتظار مجموعه عروسک‌های چوبی را داشتم. وقتی وارد باغ شدیم و استاد «عثمان رحمان‌زاده» در لباس کردی به ما و بچه‌ها خوشامد گفت، همه تصورم به هم ریخت. مایی که برای اولین بار وارد موزه شدیم، با فضایی دیگر رویه‌رو شدیم، با موزه‌ای که در آن پیکرتراشی، مرم‌شناسی و روایت، ضرب‌المثل و داستان در هم آمیخته بود و چیزی متفاوت پدید آمده بود.

پیکره‌هایی که او با چوب تراشیده بود، اگرچه به‌تهنایی پر از حس و زیبایی بود؛ اما هریک جزئی از یک مجموعه بود. مجموعه‌هایی که آداب و رسوم کردستان را نشان می‌دادند. فرهنگ و زندگی حال و گذشته، شادی‌ها و غم‌های مردم کردستان در این مجموعه به تصویر کشیده شده بود، از عروسی و عزا گرفته تا ورزش‌ها و بازی‌ها و آیین‌های باران‌خواهی تا جزئیات شماغلی مثل دامداری و کشاورزی تا یک پیکره‌هایی از بزرگان و مشاهیر کرد. جلوی مجموعه‌ای که در آن صحنه‌ای از عروسی با پیکره‌های ریز و درشت و جزئیات ساخته شده، می‌ایستیم. دو نوازنده در دو سوی مجموعه و زنان و مردان رقصنده کرد به ردیف بین آن دو، پشت آنان زنان و مردانی مشغول به کارهای دیگر و دیوار کلبی و گل و گیاه و حیوانات مثل سگ و اسب با دقت و هنرمندانه چیده شده است، چنان که انگار تصویری از واقعیت بر دیوار است.

«عثمان رحمان‌زاده» که در این ۸۵۰ متر بیش از هزارو ۶۰۰ قطعه چوبی و کلبی را کنار هم قرار داده است. به قول خودش از ۱۰سالگی با هر چیزی که در دستش قرار می‌گرفت، از خمیر نان تا گل و کاغذ مجسمه می‌ساخت، با اعتراض اطرافیان هم روبه‌رو می‌شد که می‌گفتند این هنر نیست، اطرافیان مدام می‌گفتند چرا وقت خودش را تلف می‌کند؛ اما هیچ‌کدام از این حرف‌ها باعث ناامیدی او نشده است. از ۳۵ سال پیش که از سر کار و پیشه‌اش به خانه می‌آمده، ساعتی را هم صرف ساختن این مجسمه‌ها می‌کرده است. برای «عثمان رحمان‌زاده» اینها بخش مهمی از زندگی‌اش بود. هرکس با دیدن این مجسمه‌ها از حس و حالی که داشتند، تعجب می‌کرد. آثارش را با حس و شهود خود ذره‌ذره خلق کرده است. شگفت اینجاست که کسی او را راهنمایی نکرده است. پیش کسی آموزش ندیده است. از کودکی قریحه ساختن داشته است. یاد زمانی

### اتفاق خوانی

## مemat مایه حیات را جدی بگیریم!



حسین معافی

کاهش بارندگی‌ها در سال‌های گذشته، مصرف بی‌رویه ذخایر آب‌های زیرزمینی در کشاورزی و صنعت و نبود مدیریت صحیح مصرف آب ذخایر سدهای کشور را کاهش داده و هنوز کشور با شوری فرا نرسیده، با کاهش حدود ۵۰درصدی روبه‌رو هستند. مشکل کمبود آب در ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشور ما با آن روبه‌روست و در سال‌های اخیر به دلیل کاهش بارندگی‌ها، تفسیر الگوی مصرف آب، شوری و کاهش منابع آبی، این مشکل به‌شدت بیشتر شده است. به طور کلی، مشکلات کم‌آبی در ایران شامل موارد زیر می‌شود:

- کاهش منابع آبی: این مشکل به دلیل کمبود بارندگی‌ها، تغییر در الگوی بارش‌ها، کاهش سطح آب زیرزمینی و سایر علل به وجود آمده است.
- شوری: ایران کشوری با خشک‌سالی طولانی و شرایط آب‌وهوایی سخت است. به‌همین‌دلیل آب در بسیاری از مناطق کشور با شوری بالا همراه است که این موضوع باعث کاهش کارایی و کیفیت منابع آبی شده است.
- ناکارآمدی در مصرف آب: از مهم‌ترین دلایل کمبود آب در ایران عدم بهره‌وری صحیح و ناکارآمد در مصرف آب است که شامل تلف‌کردن آب، استفاده‌نکردن از فناوری‌های صحیح در کشاورزی و دامداری، اتلاف آب به دلیل ترکیبات غیرضروری در آب شرب و سایر موارد است.
- کاهش توانایی دولت در مدیریت آب: مدیریت منابع



● **نوغان داری** به عنوان شغلی که در دوره کوتاه بوروش و با سرمایه اندک می‌تواند سود قابل توجهی به همراه داشته باشد در استان گلستان پتانسیل‌های فراوانی دارد اما بیش از ۹۰ درصد پيله‌های استان به دلیل نداشتن امکانات جهت نخ‌ریسی و تولید پارچه از استان خارج می‌شود.

● **عکس‌زاحله حصارى/ايرنا**

### روستای لک‌لک‌ها

وقتی از موزه عروسک‌های «عثمان رحمان‌زاده» بیرون آمدیم وارد محوطه روستا شدیم، در مسیر روی هر ستون بلند و پشت‌بامی، لانه بزرگی بود که لک‌لک‌های تکی یا دو، سه تایی در آنها قرار داشتند. به جای دیدن هر زیبایی دیگری از کشاورزی پیشرفته و سبزی بی‌کران روستا به آسمان تنگ غروب و پرواز لک‌لک‌ها خیره شده بودیم. هرچند یکی، دو نفر از اهالی روستا وقتی شگفتی ما را دیدند تاکید کردند زیاد از بودن این همه پرنده بر پشت‌بام‌ها و آتنن تلویزیونشان راضی نبودند. صبح زود هم لک‌لک‌ها در تاریک روشن هوا اطراف روستا پرواز می‌کردند و گاه در یک راستا چندین لانه قرار داشت.

### زیبایی‌های بی‌پایان مهاباد

روز قبل رفتن به بوکان در مهاباد بودیم و روستاهای اطرافش. هنگامی که به مهاباد رسیدیم، بعدازظهر روز عید فطر بود. ایست و بازرسی ورودی شهر از پنج‌کیلومتری ترافیک داشت. شهر شلوغ بود، همه جا ترافیک بود. ترافیک گردشگرانی که از شهرهای نزدیک آمده بودند. مردم صبح را بر مزار عزیزان از دست رفته‌شان گذرانده بودند و صبح پهلوها و هلیکوپترها بر فراز شهر پرواز کرده بود. وقتی به کنار سد رسیدیم، تاریک شده بود؛ اما عظمت و زیبایی‌اش حیرت‌انگیز بود. قرار بود به روستاهای اطراف برویم.

### پیشینه‌تاریخی لچ

یکی از این روستاهالچ بود که به خاطر حمام تاریخی‌اش شناخته می‌شود. حمامی که از ۴۰۰ سال قبل و دوران صفویه مانده است. روستایی که در آن کتابخانه‌های فعال وجود داشت و حدود ۵۰۰ نفر از هزارو ۵۰۰ ساکن آن عضوش بودند. هر وقت که چراغ کتابخانه روشن بود، کسی بود که به آنجا سرس بزند؛ حتی اگر ۱۱،۱۰ شب بود. رابطه کتابدار با اعضا آن‌قدر خوب بود که می‌توانستند ساعت‌ها آنجا به برنامه‌های مختلف فرهنگی بپردازند. همین‌طور در گوشه‌ای از کتابخانه فضایی خاص کودکان با اسباب‌بازی و کتاب‌های متعدد در اختیار کودکانی که هنوز خواندن را یاد نگرفته بودند، اختصاص پیدا کرده بود. مردمان روستایی می‌توانند از گذشته تاریخی خود بسیار تعریف کنند، اینکه چطور بارها برای ایران جان‌فشانی کرده بودند.

#### قایق‌های روستای حاجی آباد

روستای «حاجی‌آباد» روستای دیگری در نزدیکی مهاباد بود. روستایی که تعداد کمی خانوار در آن زندگی می‌کردند و راه ارتباطی آنها با اطراف با قایق است. هرچند تلاش‌های اندکی هم برای ساختن پل شده بود؛ اما ناموفق رها شده بود و کسی پیگیری نمی‌کرد. این روستا حدود ۱۶ خانوار داشت. مجوز مدرسه نیز برای این روستا هرچند صادر شده بود؛ اما امکان ساخت آن فراهم نشده بود. دراین‌بین دختران دانش‌آموز حق انتخاب اندکی داشتند و بعد از پایان ابتدایی به‌ندرت می‌توانستند امکان رفتن به مقاطع بالاتر را پیدا کنند.

### اقتصاد خوانی

## عربستان و تغییرات مالی

**فردای اقتصاد**: اگر از شنیدن این خبر که عربستان، عملاً مالک تجارت ورزش حرفهای گلف شده، شگفت‌زده شده‌اید، منظر خبرهایی از این دست در ماه‌ها و هفته‌های آینده هم باشید. قدرت‌گیری فزاینده کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان، در حال تغییر شکل خاورمیانه است؛ اما این موضوع می‌تواند پیامدهای مهمی نیز برای سراسر جهان داشته باشد.

سال گذشته عربستان رشد ۸٫۷درصدی را تجربه کرد. کویت و امارات عربی متحده هم مانند عربستان، رشد سریعی را تجربه کردند. اما چگونه می‌توان این رشد را توضیح داد؟ به‌تازگی چهار صندوق آنچه بسیاری آرزو می‌کنند، جهان همچنان به‌طور گسترده، به‌نوین سوخت‌های فسیلی نیاز دارد. جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه، از اهمیت مسکو در بازارهای جهانی نفت و گاز کاسته است. به‌علاوه دو کشور اصلی صادرکننده نفت جهان، یعنی ایران و ونزولا تحت تحریم هستند و ساختار صنعت نفت آنها، کهنه و فرسوده شده است. آمریکا مقادیر معتناهایی نفت و گاز تولید می‌کند؛ اما همچنان به میزان بالایی این دو محصول را وارد می‌کند. در نتیجه، جهان همچنان به کشورهای حاشیه خلیج فارس، برای ثبات بازار انرژی وابسته است.

به نظر می‌رسد این شرایط تا یک دهه آینده نیز ادامه خواهد یافت و اگر چنین شود، ثروت هنگفتی به سمت کشورهای حاشیه خلیج فارس، سراریز خواهد شد. به‌تازگی چهار صندوق سرمایه چهار کشور اصلی منطقه، گزارش داده‌اند که ثروتی تقریباً معادل سه تریلیون دلار (سه هزار میلیارد دلار) در اختیار دارند که ۴۲ درصد بیشتر از دو سال پیش است. عربستان انتظار دارد که اصلی‌ترین ابزار سرمایه‌گذاری‌اش، یعنی صندوق ملی سرمایه‌گذاری، بتواند تا سال ۲۰۳۰، بیش از دو تریلیون دلار سرمایه ذخیره کند و به بزرگ‌ترین صندوق جهان از این دست تبدیل شود. برای آینده پیش‌بینی‌پذیر، نفت و گاز، مهم‌ترین منبع ثروت در جهان باقی خواهد ماند. پیامدهای این ثروت عظیم، هم‌اکنون